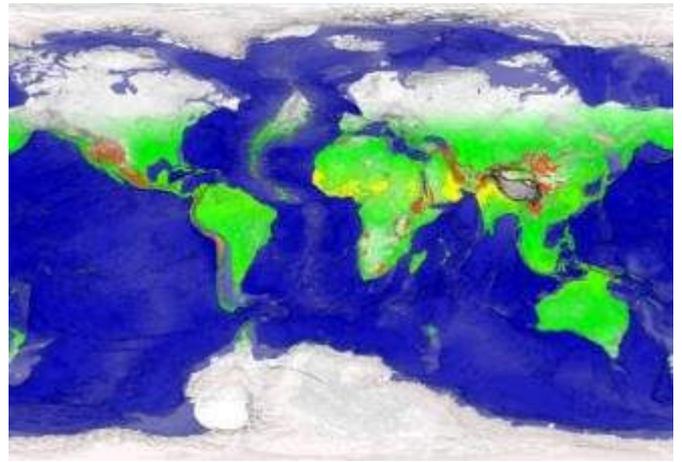


آتلاتیس تمدن گمشده

بنده مطالبی دنباله دار در مورد آتلاتیس برای شما خوانندگان عزیز در نظر گرفته ام و سعی می کنم تا شما را با ابعاد مختلف قاره گمشده "آتلاتیس" آشنا کنم و ارتباط آن را با اسرار دیگر توضیح دهم. اسراری مانند اهرام مصر، بشقاب های پرنده، تمدن مایا، حیات در کرات دیگر و ... مطالبی که در ادامه خواهد آمد تنها اشاره و مختصری است از مطالب مربوط به آتلاتیس که هر کدام می تواند یک فصل از یک کتاب باشد. آتلاتیس بدون اغراق یکی از بزرگترین اسرار موجود در جهان است که تا به حال در مورد آن تحقیقات زیادی صورت گرفته ولی هنوز بسیاری از ابعاد آن در پرده ابهام است.



آتلاتیس چیست؟ آتلاتیس نام قاره ای است که بنا بر گفته ها ۱۲۰۰۰ سال پیش بر اثر حادثه یا جنگ یا چیزی شبیه به این به زیر آب فرو رفته است. مهمترین سند معتبر در مورد آتلاتیس نوشته های فیلسوف معروف یونانی افلاطون است که ۳۰۰۰ سال پیش اطلاعات مکتوب و جالبی را در مورد آتلاتیس از خود به جا گذاشته است. به گفته افلاطون این قاره مهد تمدنی بسیار عالی و پیشرفته بوده که نه تنها در زمینه تکنولوژی بلکه در تمام شاخه های علوم و هنر در حد عالی پیشرفته بوده است. افلاطون خصوصیات جالبی را در مورد مردم آتلاتیس و نحوه زندگی آنان بیان میکند. او می گوید که مردم آتلاتیس بسیار خوش خلق و مهربان بودند. آنها داری قد بلند، پوستی سفید و موهای روشن بودند. آنها افراد مومنی بودند و هیچ چیز پیش آنها از اخلاقیات و ارزشها مهمتر نبود. با مهربانی در کنار هم زندگی میکردند و در اقتصاد آنها پول وجود نداشت. ارتش آتلاتیس بالغ بر یک میلیون و دویست هزار نفر نیرو داشت که بر اساس آن می توان جمعیت آتلاتیس را در حدود چند میلیون نفر تخمین زد. آتلاتیس دارای کشتزارهای وسیعی بود که در دشت های وسیع آن سرزمین قرار داشتند و محصولات فراوانی تولید می کردند. اینها بخشی از مطالبی است که افلاطون در مورد آتلاتیس گفته است.



تا یک قرن پیش آتلانتیس تنها یک افسانه بود اما در طی یک قرن گذشته به مدد ابزار پیشرفته مانند ابر کامپیوتر ها و ماهواره ها محققان و باستان شناسان و دیگر متخصصان توانستند با توجه شواهد به یقین پیدا کنند که آتلانتیس یک افسانه نبوده است. تصویری که همراه این نوشته است تصویری است از پستی بلندی های سطح زمین در ۱۲۰۰۰ سال پیش که با توجه به حرکات پوسته زمین توسط ابر کامپیوتر ها شبیه سازی شده است < تصویر شماره ۱ - ۲ - ۳ > . این تصویر تائید کننده سخن افلاطون است که معتقد است آتلانتیس قاره ای است در میان اقیانوس اطلس . البته افلاطون در نوشته های خود بیان می کند که در مغرب آتلانتیس قاره ای بسیار وسیع تر قرار دارد. این مشخص میکند که افلاطون آتلانتیس را با قاره امریکا اشتباه نگرفته است . البته در یک نقشه باستانی که به نقشه " پیر رئیس " دریاورد ترک معروف گردیده قاره اتلانتیس به وضوح قابل روئت است . اطلس جادوئی , نقشه Piri Reis .



بله آتلانتیس واقعیت دارد و امروزه تحقیقات گسترده و پیشرفته و حتی سری بر روی آن انجام می شود . اما چرا تحقیقات در مورد آتلانتیس تا این حد مهم است ؟ در این مورد توضیحات کاملتری خواهیم داد اما در اینجا به مهمترین دلیل آن اشاره می کنیم. یکی از مهمترین دلایل تحقیقات در مورد آتلانتیس ، میراث آتلانتیس است که به گنج آتلانتیس معروف است. اشتباه نکنید گنج آتلانتیس آن چیزی نیست که ما به عنوان گنج میشناسیم . میراث آتلانتیس منابع و کتاب هایی است که شامل تمام علوم آتلانتیس است که قبل از نابودی آتلانتیس توسط افرادی از آتلانتیس خارج شد و در مکان های امنی مخفی شده است . این افراد بازماندگان آتلانتیس محسوب میشوند . تحقیقات در مورد آتلانتیس به سه بخش تقسیم می شود . دوران قبل از حادثه ، دوران بعد از حادثه و تحقیقات در مورد حادثه ای که موجب نابودی آتلانتیس گردید. منابع تحقیقات در مورد دوران قبل از نابودی آتلانتیس بیشتر افسانه های مکتوب در پاپیروسها و کتیبه های سنگی و افسانه های اقوام قدیمی مانند مایا و آزتک در امریکای مرکزی و جنوبی است که تعداد آنها کم نیست . دوست عزیزم آقای سیدجلال صیادمیری اخیرا مطالبی را در مورد تمدن مایا و آثار تمدن پیشرفته آنان در وبلاگ گذاشته که بسیار جالب و خواندنی است و در آن اشاره شده که هنوز مشخص نیست که اقوام مایا از کجا به چین علوم پیشرفته ای دست پیدا کرده اند . در حقیقت آثار تمدنهای بسیار پیشرفته فقط در امریکای جنوبی نیست بلکه در نقاط زیادی از دنیا این آثار وجود دارد مانند مصر و یا اروپا و آسیا که برای هیچ کدام از آنها جواب مشخصی وجود ندارد. اما آتلانتیس شناسان معتقدند که ریشه و مبداء تمام این تمدنها از آتلانتیس است. به همین دلیل در مورد ارتباط تمدن مایا و تمدن مصر با آتلانتیس توضیح میدهم که هم با مطالب قبلی ارتباط داشته باشد و هم در ادامه بحث باشد. مملکت مقتدری که در وسط اقیانوس اطلس واقع بوده به طور حتم مستعمراتی در اروپا ، افریقا و آمریکا داشته است . دلایلی که برای تایید این فرض موجود است کم نیست.

اتلانتیس تمدن گمشده

فلاسفه ، علما ، شعرا ، هنرمندان ، عابدان ، نوازندگان و مولفان برای موفقیت در کار خود احتیاج به محیط ساکت دارند و از شنیدن صدای چکمه سربازان یا فریاد کسبه بازار بیزارند. هیچکس حق ندارد به این متفکرین تهمت خودخواهی بزند که چرا در طول اعصار و قرون هرگز حاضر نبودند ، در معلومات خود جز کسانی را که برای درک آن معلومات آمادگی داشتند شریک سازند. این انزوا طلبی به منزله سپر محافظتی آنها است .

آیا قانون مشهور قدیمی که " همیشه حق با قویتر است " امروزه کمتر از دوران گذشته نافذ است ؟ آیا مستی که امروزه در درون زره آهنین تکنولوژی قرار گرفته خطرناکتر و مخرب تر از مشت برهنه دیروز نیست ؟ اگر این علم به دست افراد نا اهل برسد نتیجه آن کاملا روشن است .



برادران ارشد نوع بشر که در دره های پر برف ، متفرق و با در غارهای زوایای جبال هیمالیا مخفی بودند به حیات خود ادامه دادند. واقعیت وجود این اجتماعات توسط شواهدی تأیید و تصدیق میشود که در نقاط مختلف کره زمین با فواصلی زیاد از هم واقع شده اند . مانند هندوستان ، امریکا ، تبت ، روسیه ، مغولستان و بسیاری نقاط دیگر جهان . این شواهد که در مدت پنج هزار سال به ظهور رسیده اند ، اگر چه با زیورها و زینت های خیال پروری تزئین شده اند ولی با این وجود تا حدی حاوی حقیقت می باشند. "**فردینان اوسندوفسکی**" که از طرف فرهنگستان فرانسه به دریافت نشان نائل شده حکایت عجیبی نقل می کند که در مغولستان از زبان شاهزاده "**چولتن بیلی والامای بزرگ**" (روحانی بزرگ) آنجا در پنجاه سال پیش شنیده است . به عقیده آنان در قدیم دو قاره در اقیانوس اطلس و آرام وجود داشته است. این دو قاره در اقیانوس فرو رفته اند ، ولی بعضی از ساکنان آن به پناهگاه های زیرزمینی پناهنده شده و جان سالم به در برده اند . در این غارها نور خاصی میدرخشیده که در پرتو آن نباتات رشد می کرده اند و وجود آن نباتات به یک قبیله گم گشته ما قبل تاریخ اجازه داد به حیات خود ادامه دهند و بعدا از حیث دانش و معلومات به درجه رفیعی نائل آمدند . به عقیده این دانشمند لهستانی ، نژاد زیرزمینی مذکور که نامش "**آگارتی**" بوده در زمینه فنی به نتایج مهمی دست یافته است . من جمله دارای وسائل نقلیه خاصی بوده اند که با سرعت زیاد در طول یک شبکه تونلها و نقبهای موجود در آسیا راه می پیموندند . قوم مذکور مطالعات زیادی هم در باره زندگی در سیارات داشته است . "**نیکلا روریش**" کاشف و هنرمند معاصر در طول سفرهایی که در منطقه " سیکیانگ " (ترکستان چین) کرده راهروهای طویل زیرزمینی مشاهده نموده است . بومیان به وی گفته اند که گاهی بعضی اشخاص عجیب از این منطقه زیرزمینی بیرون آمده و در شهر خریدهایی کرده اند و بهای آن را با پولهای قدیمی که کسی نمی شناخته پرداخته بودند . "**روریک**" ، در ضمن توقف کوتاهی که در "**چوغان کره**" واقع در نزدیکی "**کالگان**" در چین کرده ، مقاله ای تحت عنوان "**نگهبانان**" نوشته و در آن اظهار نظر نموده که شاید این مردان مرموز که ناگهان در میان دشت و صحرا ظاهر میشوند ، از گذرگاه های زیرزمینی بیرون می آیند . وی سوالات و تحقیقات بسیار در باره این مهمانان مرموز از مغولان کرده و اطلاعات جالبی از آنان بدست آمده است . او می گوید که این اشخاص گاهی سوار اسب می آیند و برای آنکه جلب توجه نکنند خود را به

وضع چوپان یا سرباز یا کاسب دوره گرد نشان می دهند. شهادت شخصیتی را که شهرت بین المللی دارد نمی توان نادیده گرفت. "پروفسور روریک" و دستیارانش در سال ۱۹۲۶ ظهور یک دایره نورانی بر فراز رشته جبال "قراقرم" مشاهده کرده اند. این شیء نورانی در صبح یک روز آفتابی، بخوبی به وسیله دوربینهای قوی که کاشفان نام برده در اختیار داشتند دیده می شد. در حینی که نام بردگان مشغول تماشای آن بودند، ناگهان مسیر خود را عوض کرد. در ۴۰ سال پیش در آسمان آسیای مرکزی اصلا هواپیما یا وبرپژابل (کشتی هوایی) پرواز نمی کرد. آیا آن وسیله هوایی متعلق به یکی از همین اجتماعات ماقبل تاریخ نبود؟ در موقعی که هیئت اکتشافی "نیکولا روریک" از گردنه "قراقرم" عبور می کرد، یکی از بلد های بومی برای وی حکایت کرد که گاهی مردان بلند قامت سفید پوست و همچنین زنان آنها مشاهده شده اند که ناگهان از اعماق کوهستان از راه خروجی مخفی بیرون آمده اند. آنها در تاریکی شب، در حالیکه مشعلهایی بدست داشتند، پیش می آمدند و حتی گاهی هم، آن کوه نشینان مرموز کمکهایی به مسافران کرده اند. بانو "دیوید نیل" که مسافرتی اکتشافی در تبت کرده، در نوشته های خود حکایت از آوازه خوانی می کند که می گفتند راه "منزلگاه خدایان" را بلد است. و این منزلگاه در نقطه ای از دشتهای و کوهسارهای ایالت "چین هائی" واقع است. روزی این آوازه خوان هدیه عجیبی از آن مکان مرموز برای خانم نامبرده آورد. این هدیه عبارت از گلی به رنگ آبی بود که در ۲۰ درجه زیر صفر روئیده بود. در آن موقع رود "دیچو" زیر یک قشر یخ به قطر ۶ فوت مسطور بود.

شعبه های شمالی :

در ۴۰ سال پیش دکتر "لائوچین" در یکی از روزنامه های شانگهای مقاله ای نوشت و طی آن تفصیل سفری را که به یک منطقه عجیب آسیای مرکزی کرده بود شرح داد. در این روایت بدیع که به منزله مقدمه و پیش آهنگ کتاب "آفاق گم گشته" تالیف "جس هیلتون" است، طبیب نامبرده شرح سفر پر خطری را که در ارتفاعات تبت به اتفاق یک جوکی اهل نپال کرده نوشته است. این دو مسافر در اعماق کوهستان در یک منطقه بی آب و علف و غیر مسکونی به یک دره مخفی رسیدند که از باد شمال محفوظ و هوایش خیلی گرمتر از نقاط مجاور بود. در اینجا دکتر "لائوچین" به تفصیل "برج شنبه های" و آزمایشگاه هایی را می نویسد که مشاهده آنها مایه بهت و حیرت وی شده بود. ساکنان دره مذکور دو مهمان خویش را در جریان نتایج علمی بزرگی که بدست آورده بودند گذاشتند. آنها از دکتر چینی قول گرفتند که تمامی اسرارشان را فاش نکند و گر نه دکتر لائوچین اگر این قول را نداده بود ممکن بود خیلی چیزها از آنان حکایت کند. در شعبه های شمالی امروزه جز شن و دریاچه های نمک چیز دیگری به چشم نمی خورد، ولی بر طبق روایاتی که در شرق حفظ شده در این محل در ایام قدیم جزیره وسیعی موجود بوده که اکنون جز چند کوه مرتفع چیزی از آن باقی نیست. در زمانی بسیار دور سانحه بزرگی در این محل روی داده است. از اینگونه مشاهدات در مکزیک، امریکای جنوبی و بسیاری اماکن دیگر نیز ثبت شده است. در مورد

شبم هالای شمالی مطلب آنقدر زیاد است که نمی توانم تمام آن را برای شما نقل کنم . شاید نتوان با اطمینان گفت که تمام شبکه ها و شهرهای زیرزمینی متعلق به بازماندگان آتلانتیس است اما با توجه به مطالب گفته شده دست کم میتوان به یک جواب و فرضیه قانع کننده رسید و معمای تمدنهای زیرزمینی را تا حدی حل شده دانست. یک نکته مهم دیگر در مورد بازماندگان آتلانتیس این است که درست است که این اجتماعات نسبت به ارتباط با جوامع ما منزوی هستند ولی بر اساس شواهد با تمدنهای دیگر در کرات دیگر در ارتباط هستند و به آنجا رفت و آمد می کنند. ریشه این ارتباط به قبل از طوفان بر میگردد. رد پای یک تمدن فرا زمینی هم در زمان قبل از طوفان و هم بعد از طوفان در ارتباط با تمدنهای کهن زمینی موجود است. این یک معادله ساده است . تمدن فرازمینی بسیار پیشرفته است و تمدن زیرزمینی نیز از نظر علمی بسیار پیشرفته است پس از نظر منطقی امکان برقراری یک رابطه دو طرفه میان آنها وجود دارد. و البته دلایل بسیاری بر این ادعا وجود دارد که یک بحث جداگانه می طلبد.